A Study of Tile Parapets in Timurid and Turkmen Period Buildings of Yazd Province Based on Geometric Pattern and Motif

Abstract

During the Timurid and Turkmen periods, Yazd province witnessed unique examples of tile decorations called Parapets. So that these Parapets have common characteristics in terms of the patterns and motifs used in their center/background and borders,which emphasizes the uniqueness of the named decoration in this region of the country during the mentioned periods. For this reason, it is possible to identify and classify this category of decorations and also to understand the local style in the Yazd region during the period under study.Therefore, the purpose of this article is to introduce and classify the tile Parapets used in the buildings of the mentioned period in Yazd province based on their geometric Pattern and Motif in order to achieve a local/regional style.During the review of the motifs found in tilework,the execution technique, colors, etc. are also briefly mentioned. Therefore, the main research question can be posed as follows: What are the most common geometric Patterns and Motifs of the tile Parapets of buildings from the Timurid and Turkmen periods in Yazd province? The present study is based on a method of interpretive-historical research and a qualitative data analysis and interpretation method.The research methodology of gathering information and data is documentary and based on extensive field observations,including visiting buildings, taking pictures of tile Parapets, and drawing some samples with various software such as CorelDraw, Photoshop, etc.The statistical population of this study includes all tile Parapets from the Timurid and Turkmen periods in Yazd province, which include ten buildings. Therefore, first the findings are presented and then the introduction and classification of the tile Parapets of the buildings of this time period in Yazd province are discussed.Sometimes a local style is implemented in a specific and specific region, and sometimes it encompasses a wider geographical area. For example, the existence of tile Parapets during a specific period, as well as some geometric Motifs that have been repeated many times, all belong to the same region. This indicates that the mentioned region had a local style and probably created works with special characteristics at the request of local founders and artists. The most prominent of these features is the extensive use of geometric motifs, including the «regular hexagonal» knot in the center/background and the «Six and Triangle» on the edges of the tile's Parapets.Based on the available evidence mentioned in the text of the article, the tile Parapets of the Timurid and Turkmen periods in Yazd province are unique to this region, and no similar examples have been found in other parts of the country. Although there are unique tile decorations in the eastern part of Iran and other regions of the country during the aforementioned periods, none of them have tile Parapets, and if they do exist, they do not have tile decorations.This type of decoration is seen in buildings in the Yazd region and has been a common pattern in some of the decorations of buildings in this region. Its absence in other parts of the Timurid and Turkmen territories in Iran could be evidence of the local style of this type of decoration, which is located in the same time period and region. In addition, the limitation of this category of decorations to a specific region (Yazd province) can indicate common decorative patterns and methods that have usually been of interest and attention to creators, founders, and commissioners of works of art in each historical period and in a specific area. The results of this research indicate that examining the existing examples of tile Parapets from the Timurid and Turkmen periods in Yazd province, it was determined that only geometric motifs were used in their center/background and borders.The tile Parapets of the mentioned eras of Yazd province can be classified into two major groups, «regular hexagonal» and «Six and roundel Jointed Toranj» in terms of the geometric motifs of the center/background.The borders are designed with geometric patterns and motifs, such as simple border without motif, «quatrefoil and ellipse» and «Six and Triangle» knot.The «regular hexagonal» knot is the most common geometric motif used in the center/background of the Parapets. The aforementioned knot is worked with turquoise cut tiles in the center/background of the Parapets of 10 buildings in the province. The borders in most of the Parapets are made with the «Six and Triangle» knot. In a limited number of cases, the borders of some Parapets consist of geometric designs consisting of the repetition of two simple geometric motifs, such as «quatrefoil and ellipse» or a simple, narrow border without motifs.Therefore,the buildings of Yazd province can be indicative of a local style, from one side, in terms of having Parapets and on the other hand, due to the use of common geometric motifs in them.A style whose works and evidence can only be traced in this province during the period under study.

Keywords: geometric pattern and motif, local style, tile parapet, Timurid and Turkmen period, Yazd Province

Received: 14 Apr 2025
Received in revised form: 10 Jun 2025
Accepted: 16 Sep 2025

Zahra Rashednia iD
PhD in Archaeology (Islamic Era), Department of Archaeology, Faculty of Conservation & Restoration, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: z.rashednia@yahoo.com

https://doi.org/10.22059/jfava.2025.393341.667455

Citation: Rashednia, Zahra. (2026). A study of tile parapets in Timurid and Turkmen period buildings of Yazd province based on geometric pattern and motif. *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, *31*(3), 49-60. (In Persian)

© Authors retain full copyright and publishing rights. Publisher: University of Tehran Press.

نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی● دوره ۳۱، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۵

مطالعه جان‌پناه‌های کاشی بناهای دورهٔ تیموری و ترکمانانِ استان یزد بر اساس طرح و نقش هندسی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵
زهرا راشدنیا: دکتری باستان‌شناسی (دوران اسلامی)، گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
E-mail: z.rashednia@yahoo.com
https://doi.org/10.22059/jfava.2025.393341.667455

چکیده

استان یزد در دوران تیموری و ترکمانان، شاهد نمونه‌های منحصربه‌فردی از تزئینات کاشی‌کاری در بخش جان‌پناهِ ابنیه تاریخی بوده است. این قطعات معماری که به‌وفور در بناهای استان یزد یافت می‌شوند، می‌توانند بازتاب‌دهنده یک سبک محلی/منطقه‌ای باشند. پژوهش حاضر با هدف معرفی و طبقه‌بندی تزئینات کاشی‌کاریِ جان‌پناه‌ها در ابنیه دوران مذکور در استان یزد بر اساس طرح و نقش هندسی انجام شده است تا از این طریق، ویژگی‌های سبک منطقه‌ایِ کاشی‌کاری در یزد را تبیین نماید. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و گردآوری داده‌ها بر پایه مطالعات میدانی و استناد به منابع مکتوب استوار است. یافته‌ها حاکی از آن است که جان‌پناه‌های کاشی عصر تیموری و ترکمانان در استان یزد، از لحاظ نقوش هندسیِ مرکز/زمینه، به دو گروه عمده «شش‌ضلعی منتظم» و «شش و شمسه ترنج‌دار» قابل‌طبقه‌بندی هستند. حاشیه‌ها نیز با طرح‌هایی نظیر «ساده و بدون نقش»، «چهارلنگه و بیضی» و «شش و تکّه» اجرا شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که گره «شش‌ضلعی منتظم» رایج‌ترین نقش در مرکز/زمینه و گره «شش و تکّه» پرکاربردترین نقش در حاشیه‌های اطراف است. شباهت‌های ساختاری و تکرار هوشمندانه این الگوهای هندسی در ابنیه یزد، متمایز از الگوهای رایج در سایر مراکز هم‌زمان است؛ امری که اصالت و تشخصِ یک «سبک محلی/منطقه‌ای» را در مکتب معماری و کاشی‌کاری یزدِ عصر تیموری و ترکمانان اثبات می‌کند.

واژه‌های کلیدی: استان یزد، جان‌پناه کاشی، دورهٔ تیموری و ترکمانان، سبک محلی، طرح و نقش هندسی

استناد: راشدنیا، زهرا. (۱۴۰۵). مطالعه جان‌پناه‌های کاشی بناهای دورهٔ تیموری و ترکمانانِ استان یزد بر اساس طرح و نقش هندسی. نشریه *هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی*، ۳۱(۳)، ۴۹-۶۰.

© نگارندگان، حق تکثیر و امتیاز کامل انتشار مقاله خود را حفظ می‌کنند.
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

گاهی مشابهت‌هایی میان تزیینات کاشی‌کاری یک منطقه می‌توان مشاهده نمود که نشان‌دهندهٔ تشخص، استقلال و ویژگی‌های انحصاریِ آن ناحیه است. استان یزد نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ به‌گونه‌ای که در بناهای دوران تیموری و ترکمانان[1] این استان، وجوه اشتراکِ قابل‌توجهی میان ساختار جان‌پناه‌ها از یکسو و ویژگی‌های تزیینی نقوش هندسی آن‌ها از طرفی دیگر، مشاهده می‌شود. ازاین‌رو، منبع اطلاعاتی بسیار ارزشمندی در باب سبک محلی هنرمندان سازنده و سبک منطقه‌ای آن‌ها به شمار می‌آیند و می‌توان احتمال داد که این جان‌پناه‌ها، واجد یک سبک محلی هستند. جان‌پناه‌های کاشی متعددی، مربوط به دوران مذکور، از اماکن تاریخی استان یزد برجای‌مانده است. با توجه به پراکندگی (یزد، اشکذر، تفت) و تعدد جان‌پناه‌های کاشی در منطقه یزد که به لحاظ کمی بیشترین درصد جان‌پناه‌های کاشی دورهٔ تیموری و ترکمانان را در خود جای داده است، می‌توان گفت که شیوه یا سبک محلی در این منطقه شکل گرفته است؛ امری که با بررسی ویژگی‌های بصری نمونه‌های موجود در این استان قابل توجیه است. در صورت وجود تکرار نظام‌مندِ طرح‌ها و نقش‌های هندسی در مرکز/ زمینه و حاشیهٔ جان‌پناه‌ها، می‌توان با قطعیت بیشتری درباره هویت سبک محلی/ منطقه‌ای، یا شیوه رایج در این منطقه، بحث کرد. بدین‌جهت می‌توان به شناسایی و دسته‌بندی این دسته از تزئینات و نیز شناخت سبک محلی در منطقه یزد در برهه زمانی موردمطالعه پرداخت. در نتیجه، معرفی و طبقه‌بندی[2] جان‌پناه‌های کاشی موجود در آثار تاریخی دورهٔ تیموری و ترکمانان استان یزد، از حیث طرح و نقش هندسی، هدف اصلی در پژوهش پیش‌رو است. در این راستا، ضمن بررسی نقش‌مایه‌ها، تکنیک‌های اجرا، رنگ‌بندی و غیره نیز به اختصار موردمطالعه قرار گرفته است. یافته‌های اولیه نشان می‌دهد که از میان ۸۵ بنا و مجموعه منسوب به ادوار تیموری و ترکمانان در سراسر کشور، تنها در ۱۰ بنای استان یزد، جان‌پناه‌های کاشی یافت شده است. ساختار مقاله بدین صورت است که پس از مروری اجمالی بر کاشی‌کاری این دوران در ایران، به تعریف جان‌پناه، معرفی جامعه آماری و پراکندگی آثار و مروری اجمالی بر تعریف سبک پرداخته شده و در نهایت، جان‌پناه‌ها از لحاظ نقش هندسی در مرکز/زمینه و حاشیه طبقه‌بندی می‌شوند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس روش، از گونه تحقیقات توصیفی- تحلیلی است که با رویکرد تاریخی و شیوهٔ کیفی، به تجزیه‌وتحلیل و تفسیر داده‌ها، می‌پردازد. روش یافته‌اندوزی اطلاعات و داده‌ها، به شیوهٔ اسنادی (کتابخانه‌ای) و مبتنی بر مشاهدات گسترده میدانی شامل بازدید از ۸۵ بنا و مجموعهٔ مربوط و منسوب به ادوار تیموری و ترکمانان ایران است که ازاین‌میان، ۱۰ بنا دربردارنده جان‌پناه‌های کاشی دوران مذکور شناسایی شد. علاوه بر بازدید از ابنیه، تهیه تصاویر از جان‌پناه‌های کاشی و ترسیم خطی برخی نمونه‌ها با نرم‌افزارهای مختلف مانند *کورل دراو*، *فتوشاپ* و غیره صورت گرفت. جامعه آماری این پژوهش را کلیه جان‌پناه‌های کاشی دورهٔ تیموری و ترکمانان استان یزد که شامل ۱۰ بنا است در برمی‌گیرد. ازاین‌رو، نخست یافته‌ها ارائه شده‌اند و سپس به معرفی و طبقه‌بندی جان‌پناه‌های کاشی بناهای این برهه زمانی، در استان یزد پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

تعدادی از منابع، در مورد جان‌پناه‌های کاشی بناهای استان یزد، مطالبی را به نگارش در آورده‌اند، اما هیچ‌کدام از مآخذ، به پژوهش مستقلی دربارهٔ جان‌پناه‌های کاشی دست نیافتند. در بیشتر منابع موجود، در خلال معرفی، مطالعه و بررسی تزیینات مختلف یک بنا یا مجموعه بناها، این دسته از تزیینات را نیز مطرح کرده و کمابیش آن را توضیح داده‌اند. یکی از مآخذی که در این زمینه می‌توان نام برد؛ *تاریخ یزد* تألیف جعفر بن محمد بن حسن جعفری (۱۳۴۳) است که مربوط به دوره‌های گوناگون یزد تا عصر مؤلف (نیمه اول قرن نهم ه.ق) است. قسمت هشتم کتاب، اطلاعاتی راجع به مساجد، منبرها، مدارس، بانیان و تاریخ آن‌ها، ارائه می‌دهد. این کتاب اشاراتی به وجود جان‌پناه‌های کاشی در برخی بناهای شهر یزد مانند «مسجد جامع مصلی عتیق» یزد دارد. کتاب جامع و ارزشمندِ استاد ایرج افشار (۱۳۵۴) با عنوان *یادگارهای یزد* فهرستی از بناهای تاریخیِ شهرها و روستاهای مختلف استان یزد، ارائه نموده است. در منبع فوق، ضمن ارائه اطلاعاتی در مورد هر بنا و تزئینات مختلف از جمله کاشی‌کاری، از جان‌پناه‌های کاشی ابنیه مربوط به دورهٔ تیموری و ترکمانان نیز، ذکری به میان آمده است. کتاب *معماری دوره آل‌مظفر یزد با نگاهی به بناهای عصر اتابکان (ایلخانی و تیموری)*، اثر خادم‌زاده (۱۳۸۹)؛ که توجه خود را به آثار معماری تاریخی شهر یزد در دوره اتابکان، ایلخانان، آل‌مظفر و تیموریان اختصاص داده است. در معرفی هر بنا، توضیحاتی دربارهٔ تزئینات آن‌ها، از جمله کاشی‌کاری ارائه گردیده است. در منبع مذکور نیز، به جان‌پناه‌های کاشی برخی از ابنیه ادوار مذکور، اشاره گردیده است. «مجموعهٔ سلطان بُندَرآباد اشکذر یزد»، یکی از مجموعه‌های که در پایان‌نامه، مزیدی شرف‌آبادی (۱۳۹۷)، موردتوجه قرار گرفته است. ایشان پس از ذکر مقدماتی دربارهٔ معماری و تزئینات دورهٔ تیموری، در ادامه به معرفی مجموعه، متشکل از مسجد جامع، خانقاه، آرامگاه و بناهای جانبی دیگر و نیز تزئینات گوناگون آن‌ها، پرداخته است. بخشی از این تزئینات، مربوط به کاشی است که در این راستا به‌گونه‌ای مختصر جان‌پناه‌های کاشی مجموعه نیز، معرفی گردیده است. پژوهشگرانی چون ویلبر و گلمبک (۱۳۷۴/۱۹۸۸)، خاکباز الوندیان (۱۳۹۳) و غیره علاوه بر معرفی و توصیف کاشی‌کاری بناهای تاریخی دورهٔ تیموری و ترکمانان، در حاشیه در مورد جان‌پناه‌های کاشی مباحثی را، مطرح نموده‌اند. با توجه به مطالعات صورت گرفته که به لحاظ موضوعی، با این مقاله تشابه داشتند، این نتیجه حاصل شد که هرکدام از این منابع، یک یا چند مورد از جامعه آماری موردپژوهش را به‌گونه‌ای مختصر موردبررسی قرار داده‌اند و منبعی که همه اماکن دارای این دسته از تزیینات را موردمطالعه قرار داده باشد، مشاهده نمی‌شود. علی‌رغم حضور پُررنگ جان‌پناه‌های کاشی در بناهای دورهٔ تیموری و ترکمانان استان یزد، در منابع به‌طور کامل و مستقل، به طبقه‌بندی این دسته از تزئینات از حیث طرح و نقش هندسی پرداخته نشده است. همچنین عدم وجود تصاویر کافی و با کیفیت و نبود طرح‌های خطی، از جمله کاستی‌های موجود در زمینهٔ موردبحث است که بر ضرورت پرداختن به این موضوع، تأکید می‌نماید.

مبانی نظری پژوهش

مروری اجمالی بر کاشی‌کاری دورهٔ تیموری و ترکمانان در ایران

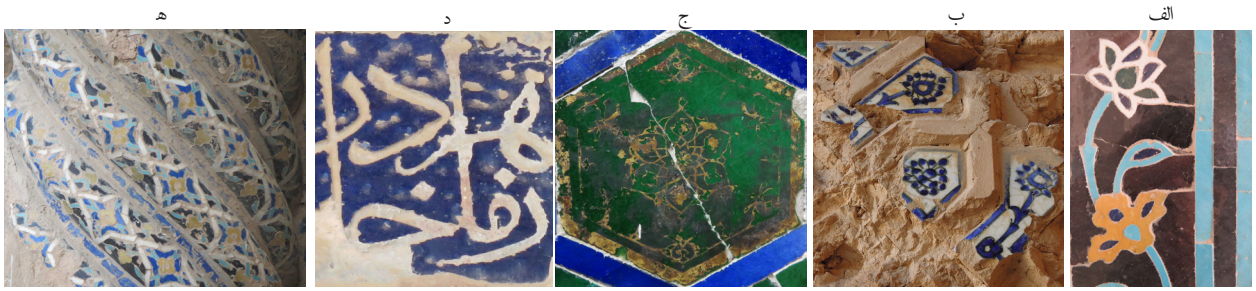
در عهد تیموری و ترکمانان، استفاده از انواع کاشی، با تکنیک‌های

اجرایی و تزیینی مختلف، طرح‌ها و نقوش گوناگون گسترش یافت و در فضاهای داخلی و نیز نمای خارجی ابنیه این دوران، به‌وفور به‌کار رفت. تکنیک‌های مورد کاربرد در دوران مذکور شامل، معرق، لعاب‌پران، هفت‌رنگ، منقوش زیرلعابی، کاشی تراش شش‌ضلعی تک‌رنگ، معقلی، زرین‌فام، طلاچسبان، لعاب‌پران، فتیله/ پیچ و غیره (تصویر ۱ الف–هـ) و یا تلفیقی از این فنون با هم مانند؛ تلفیق کاشی معرق با لعاب‌پران، تلفیق کاشی هفت‌رنگ با کاشی زیرلعابی، تلفیق کاشی هفت‌رنگ با تزئین طلاچسبان و غیره است (تصویر ۲الف–ب). گاهی تلفیق کاشی با مصالح دیگر همچون آجر، سنگ و گچ همانند تلفیق کاشی معرق با سنگ، تلفیق کاشی معرق با گچ، تلفیق کاشی معرق با آجرتراش، تلفیق کاشی هفت‌رنگ، معرق و آجرتراش و غیره، جهت تزیین سطوح بناها، منبرها، صندوقه‌های قبر، لوح‌های قبر و غیره استفاده می‌شده است (تصویر ۳الف–ب). فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید، سیاه، بادمجانی، سبز تیره و روشن، حنایی، عسلی، قهوه‌ای، قرمز اُخرایی و غیره ازجمله رنگ‌هایی است که در لعاب کاشی‌ها بکار برده شده است. هنرمندان در این دوران، علاوه بر استمرار کاربرد برخی طرح‌ها و نقوش گذشته، به کمک استعداد و قریحهٔ پویای خود، در طرح‌ها و نقش‌مایه‌های پیشین نیز، تغییراتی ایجاد نموده‌اند و آن‌ها را، ارتقا بخشیدند و یا اینکه به ویژگی‌های منحصر و متمایزی، برای گروهی از نقش‌مایه‌ها دست یافتند. به‌عنوان مثال می‌توان از نقوش ختایی (گل‌ها، برگ‌ها و غنچه‌ها) موجود در تزیینات کاشی‌کاری نام برد که در حاشیه‌های بزرگ و کوچک، زمینه کتیبه‌ها و به‌صورت منفرد یا دسته‌ای در گلدان‌ها، کاربرد فراوانی داشته است. استفاده از نقوش هندسی در تزیینات کاشی‌کاری بازه زمانی مذکور، از تنوع و فراوانی بسیار برخوردار است. بخشی به‌صورت طرح‌های هندسی که اغلب در حاشیه‌ها به‌کار برده شده هستند. گاهی این نقش‌مایه‌های هندسی، خود به‌مثابه کادری از قبیل مربع، مستطیل، چندضلعی‌ها و غیره برای قرارگیری نقوش گیاهی، هندسی و کتیبه‌ها، به‌کاربرده شده است و در دیگر نمونه‌ها، اجزای تشکیل‌دهنده گره‌ها، به شمار می‌رود که متناسب با نوع گره، از تنوع فرمی/ شکلی بیشتری بهره‌مند هستند. کتیبه‌ها به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین تزیینات این دوران، علاوه بر معنا و مفهوم، دارای ویژگی‌های بصری متعددی از قبیل فرم، ترکیب رنگ متن و زمینه، تلفیق با سایر نقوش (گیاهی و هندسی) و غیره هستند. کتیبه‌ها افزون بر نقش‌مایه‌های گیاهی و هندسی، سهم عمده‌ای در تزئینات کاشی‌کاری، بر عهده دارند و به تقریب در تمامی بخش‌های ابنیه ادوار مذکور، از جمله سردر ورودی، ایوان‌ها، طاق‌نماها، مناره‌ها، محراب‌ها و نیز نمونه‌هایی نظیر صندوقه‌های قبر، منبرها، لوح‌های کتیبه و غیره با خطوط کوفی ساده، تزئینی انواع بنایی، مانند ساده، متداخل/ پیچیده، گردان/ چرخان، گردان/ چرخان گره‌دار، سواد و بیاض/ مشکل و اقلام مختلفی همانند ثلث، نسخ، محقق، رقاع، توقیع و غیره نوشته‌شده است. یکی از شاخص‌ترین قسمت‌های بناهای تاریخی که کاشی‌کاری در آن به‌خوبی نمود یافته، جان‌پناه‌ها هستند که در اماکن گوناگون، اجرا شده است. در ابنیه عصر تیموری و ترکمانان استان یزد، تأکید فراوانی بر جان‌پناه‌ها شده و به‌صورت گسترده‌ای در بناهای این خطه مورداستفاده قرار گرفته است. جان‌پناه‌های برجای‌مانده از ادوار مزبور، با انواع نقش‌مایه‌های هندسی (گره‌ها و نقوش هندسی ساده) مزین شده‌اند که در ادامه، به مطالعهٔ آن‌ها پرداخته‌می‌شود.

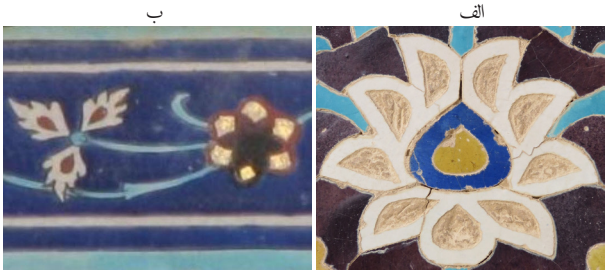
تعریف جان‌پناه

تعاریف متعددی از جان‌پناه‌ها در لغت‌نامه‌ها و واژه‌نامه‌های عمومی و تخصصی و همچنین منابع تخصصی معماری گردیده است که در ادامه

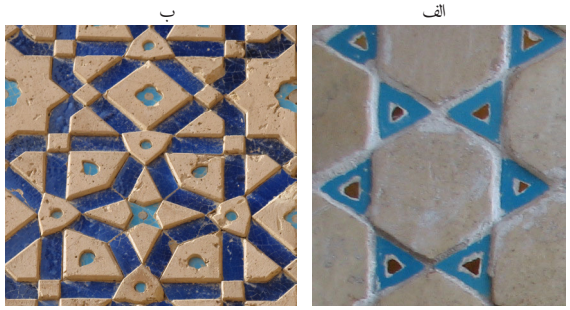
تصویر ۱. *کاربرد انواع تکنیک‌های اجرایی و تزیینی کاشی در ابنیه دورهٔ تیموری و ترکمانان: الف) کاشی معرق (یافته‌های پژوهش)، ب) کاشی منقوش زیرلعابی (صالحی کاخکی، ۱۳۸۴)، ج) تزئین طلاچسبان، د) کاشی لعاب‌پران، هـ) کاشی فتیله/ پیچ (یافته‌های پژوهش)*



تصویر ۲. *تلفیق فنون مختلف کاشی با هم الف) تلفیق کاشی معرق با لعاب‌پران (یافته‌های پژوهش)، ب) تلفیق کاشی هفت‌رنگ با تزئین طلاچسبان (صالحی کاخکی، ۱۳۸۴)*



تصویر ۳. *تلفیق کاشی با مصالح دیگر (سنگ، آجر) در ابنیه دورهٔ تیموری و ترکمانان الف) تلفیق کاشی معرق با سنگ، ب) تلفیق کاشی معرق با آجر تراش (صالحی کاخکی، ۱۳۸۵)*



به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. جان‌پناه: دیوارک (مرزبان و معروف، ۱۳۷۱، ۲۱۷)؛ جان‌پناه: پناه‌جان، محافظ جان، آنچه جان را نگاه دارد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج. ۵، ۷۴۳۲)؛ جان‌پناه: سنگر، پناهگاه، جایی که کسی در پناه آن قرار گیرد و جان خود را از چنگ دشمن حفظ کند (عمید، ۱۳۷۹، ج. ۱، ۶۷۲)؛ جان‌پناه: دیواره‌ای که از سقوط اتفاقی ممانعت می‌کند، مانند نرده‌های یک بام یا کناره‌های یک پل، تیرکش دروازهٔ قلعه (اسمیت، ۱۳۸۱/۱۹۸۴، ۶۹)؛ جان‌پناه: پناه‌جان و محافظ جان، موضعی از خاک که سرباز در پناه آن بتواند عملیات نظامی کند، پناهگاه (معین، ۱۳۸۵، ج. ۱، ۱۲۱۱–۱۲۱۰)؛ جان‌پناه: نرده یا دیوارکی که بر لبه پرتگاه‌ها مثل لبه بام و لبه پله و لبه ایوان‌های بلند و لبه بالکن‌ها سازند یا مصالح بنایی یا چوب و با ارتفاعی محدود که حداقل ارتفاع آن ۸۰ سانتی‌متر است. جان‌پناه حتی به‌صورت شبکه آجری یا کاشی نیز اجرا می‌گردد. (فرشته‌نژاد، ۱۳۸۹، ۱۱۳)؛ جان‌پناه: دیوار محافظ کوتاه در لبه‌های پرتگاه مانند لبهٔ بام، بالکن یا تراس (کلارک، ۱۳۸۹/۲۰۰۱، ۲۱۸) و غیره. با توجه به تعاریف فوق، می‌توان به‌طور کلی جان‌پناه را در بناها، دیوارکی کوتاه، برای جلوگیری از سقوط قلمداد نمود که جنبه امنیتی برای بناها داشته است. جان‌پناه‌ها اغلب در طبقه دوم ابنیه و گاهی طبقه اول که تا حدودی با کف ساختمان فاصله دارد به کار می‌رود. جان‌پناه‌ها غالباً با مصالحی مانند چوب، آجر و یا کاشی ساخته و تزئین می‌شوند و در نمونه‌هایی نیز، به‌صورت مُشبک آجری یا کاشی اجرا شده‌اند.

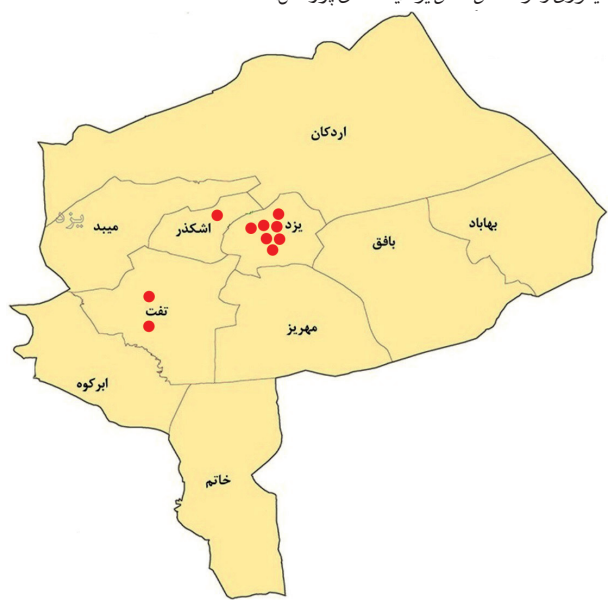
جامعه آماری و پراکندگی آثار دارای جان‌پناه‌های کاشیِ دورهٔ تیموری و ترکمانان در استان یزد

در این پژوهش، به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش و هدف مشخص‌شده؛ بناهای مربوط و منسوب به ادوار تیموری و ترکمانان در کشور، مورد مشاهدات گسترده میدانی و مطالعه کتابخانه‌ای قرار گرفته است. در بررسی و مطالعه ۸۵ بنا و مجموعه، تنها در ۱۰ بنای استان یزد، در سه شهرستان یزد، اشکذر (روستای بُندَرآباد) و تفت (شهر تفت و روستای بیداخوید) جان‌پناه کاشی یافت شد (نقشه ۱). ۹ بنای شناسایی‌شده شامل «مسجد جامع» یزد (تصویر ۴ الف)[۳]، «مسجد جامع امیر چخماق» یزد (تصویر ۴ ب)، «مسجد سَرریگ» یزد (تصویر ۴ ج)، «مسجد مصلی عتیق» یزد (تصویر ۴ د)، «مسجد جامع اَبرندآباد» یزد (تصویر ۴ ه)، «مسجد سَرپُلک» یزد (تصویر ۴ و)، «مسجد مجموعهٔ سلطان بُندَرآباد» اشکذر (تصویر ۴ ز)، «مسجد شاه ولی» تفت (تصویر ۴ ح)، «مسجد جامع بیداخوید» تفت است (تصویر ۴ ط). در «مسجد پیر حسین دامغانی» یزد، طبق برخی منابع، جان‌پناه‌های کاشی نیز وجود داشته که طبق بازدید نگارنده اکنون هیچ جان‌پناه کاشی وجود ندارد (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴/۱۹۸۸، ۶۰۳).

مروری اجمالی بر تعریف سبک

طیف وسیعی از تعاریف، در مورد سبک، در فرهنگ‌ها و دائره‌المعارف‌ها ذکر شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود. شیوه، سبک (مرزبان و معروف، ۱۳۷۱، ۲۹۱)؛ طرز بیان اندیشهٔ هنرآفرین که هم با چگونگی تفکر و هم با چگونگی تصویرسازی‌های او نسبت مستقیم دارد سبک نام گرفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج. ۱۰، ۱۳۴۱۲)؛ در فارسی به معنای ریخت، طرز و روش و در اصطلاح شاعران، روش یا شیوهٔ خاص که شاعر یا نویسنده برای بیان مطالب و افکار خود اختیار می‌کند

نقشه ۱. *جامعه آماری و نقشه پراکندگی آثار دارای جان‌پناه کاشی در ابنیه دورهٔ تیموری و ترکمانانِ استان یزد* (یافته‌های پژوهش)



که عبارت از طرز جمله‌بندی و استعمال الفاظ و ترکیبات و چگونگی تعبیر و بیان مضامین است (عمید، ۱۳۷۹، ج. ۲، ۱۱۶۲)؛ در ادبیات، روش یا شیوه‌ای خاص که شاعر یا نویسنده‌ای برای بیان مطالب و اندیشه‌های خویش به کار می‌برد و مشخِّص اثری ادبی از اثر ادبی دیگر است. نوع الفاظ و ترکیبات و جمله‌بندی و طرز تعبیر معانی مهم‌ترین عوامل در چگونگی سبک یا شیوه‌ای ادبی هر شاعر یا نویسنده است (مصاحب، ۱۳۸۱، ج. ۱، ۱۲۵۸)؛ ویژگی‌های ساختاری یک اثر که تعلق آن را به شخص (نویسنده، شاعر، هنرمند و غیره)، مکتب (خراسانی، گوتیک، کوبیسم و غیره) یا دورهٔ معینی (ساسانی، نوزایی، دههٔ ۹۰ و غیره) نشان می‌دهد (صدری افشار و دیگران، ۱۳۸۱، ۷۳۶)؛ سبک یا شیوهٔ هنری، خصلت‌های صوری و ساختاری شاخص و متمایز در یک اثر یا گروهی از آثار هنری است (سید صدر، ۱۳۸۳، ۳۵۹)؛ شیوهٔ هنری. خصلت‌های صوری و ساختاری شاخص و متمایز در یک اثر یا گروهی از آثار هنری. لازم است که این ویژگی‌ها از پیوندی درونی و ارتباطی اندام‌وار برخوردار باشند؛ یا به سخن دیگر، باید نشانه‌های بیان یک واحد کامل را عرضه بدارند. به‌طوری که وحدت این ویژگی‌های صوری و ساختاری است که سبک را مشخص می‌کند. هر سبک، در اساس خود، نشانی از دورهٔ تاریخی معین و یا مردمی معین دارد. گاهی، اصطلاح سبک را در مورد سیاق اجرای اثر هنری نیز، به کار می‌برند (پاکباز، ۱۳۸۳، ۲۹۷–۲۹۸)؛ طرز، روش، شیوه همچنین روشی خاص که شاعر یا نویسنده ادراک و احساس خود را بیان می‌کند (معین، ۱۳۸۵، ج. ۲، ۱۸۱۸).

سبک در معنی عام و در متداول‌ترین و رایج‌ترین مفهوم، روش و شیوه خاص انجام دادن هر کاری است. به‌طور مشخص‌تر، سبک در هنر به معنی ویژگی‌هایی است که به بینندهٔ اثر این امکان را می‌دهند تا بین یک اثر و دیگر آثار هنری رابطه برقرار کند؛ یعنی سرفصلی که بتوان آثار هنری را با استفاده از آن، جهت مطالعات گسترده‌تر گروه‌بندی کرد (جنسن، ۱۳۸۷/۱۹۹۶، ۱۷؛ فتوحی، ۱۳۹۲، ۳۴). به بیانی دیگر سبک، به

تصویر ۴. *کاربرد جان‌پناه کاشی در ابنیه دورهٔ تیموری و ترکمانان استان یزد الف) «مسجد جامع»، یزد ب) «مسجد جامع امیر چخماق» یزد، ج) «مسجد سَرریگ» یزد، د) «مسجد مصلی عتیق» یزد، ه) «مسجد جامع ابرندآباد» یزد، و) «مسجد سَرپُلک» یزد، ز) «مسجد مجموعهٔ سلطان بُندَرآباد» اشکذر، ح) «مسجد شاه ولی» تفت، ط) «مسجد جامع بیداخوید» تفت* (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)



الگوها یا ویژگی‌های متمایز و مشخص چیزی – یا مجموعه‌ای از اشیاء – اطلاق می‌گردد. مردم‌شناسان، باستان‌شناسان، مورخان فرهنگ و اجتماع و مورخان هنر، از سبک برای قرار دادن اشیاء، رفتارها و رخدادها در طرح یا بافتی خاص بهره می‌گیرند. اگر سبک فلان کوزه یا تابلوی نقاشی را بازشناسیم و بتوانیم آن را تبیین کنیم، غالباً می‌توانیم با آگاهی از هویت هنرمند، تاریخ و محل خلق و تولید اثر گمانه‌زنی کنیم. سبک در چنین مفهومی ابزاری است کارآمد که به مورخ امروز امکان می‌دهد رخدادهای گذشته را نظم و ترتیب دهد. چون به نظر می‌آید سبک آیینهٔ قامت نمای فرد و فرهنگ باشد، احساس می‌کنیم که می‌توانیم برای تشخیص و تمییز (چیزها/اشیاء) بدان اعتماد کنیم. سبک شخصی همچون امضاء، به تشخص فرد بستگی دارد. به‌هرحال، سبک – مطابق با فهم کلی مورخان هنر و در تداول آن‌ها– از جنبه‌ای فراشخصیتی نیز برخوردار است. همان‌قدر که گویای کیستی هنرمند است، گوشه‌ای از فرهنگ را نیز نشان می‌دهد. به‌طوری که فلان دوره یا فرهنگ به‌نوعی می‌تواند خود را در سبک نشان

دهد. سبک نوعی الگو یا قالب بصری در بطن اثر هنری است که مورخ هنر از این ابزار برای طبقه‌بندی و تبیین تغییرات سبکی بهره می‌برد (ماینر، ۱۳۸۷/۱۹۹۴، ۲۲۸–۲۲۳). به‌طور کلی، سبک را می‌توان به دو دستهٔ عام و خاص تقسیم نمود. ویژگی‌هایی که آثار را به دورهٔ زمانی، فرهنگ و تمدن، یا مکتبی خاص مرتبط سازد؛ یعنی طبقه‌بندی بر اساس زمان، مکان و هنرمند را، سبک عام می‌نامند. سبک‌های خاص نیز، ویژگی‌هایی مربوط به هر هنرمند، در مفهوم یک شخصیت منفرد و منحصربه‌فرد است (جنسن، ۱۳۸۷/۱۹۹۶، ۱۷).

در پاسخ به پرسش سبک چگونه به وجود می‌آید؟ می‌توان پاسخ داد که سبک در بطن اثر هنری قرار دارد و حاصل فرم، خط، فضا و رنگ است و صرفاً در انتظار منتقد خوش‌ذوق و با قریحه‌ای است که کشفش کند. به تعبیری دیگر می‌توان گفت، سبک را مورخان هنر وضع نموده‌اند و ما زبان سبک را ایجاد کرده و الگوهای آن را تعیین می‌کنیم (ماینر، ۱۳۸۷/۱۹۹۴، ۲۲۷). زمان آفرینش هر اثر هنری، پیوندی فشرده با شکل ظاهر آن، یا در یک کلام با سبک آن دارد. به بیان دیگر، سبک هر اثر هنری، تابعی از دورهٔ تاریخی آن اثر است. تاریخ‌نگاری هنر با تفکیک آثار متعلق به معماری، پیکرتراشی، نقاشی به چندین سبک بر پایهٔ شباهت‌های موجود میان آن‌ها و زمان یا دوره‌های آفرینش آن‌ها به حیات خویش ادامه می‌دهد. مطابق یکی از فرض‌های بنیادی تاریخ هنر، آثاری که در یک زمان و البته در یک مکان آفریده شده باشند، عموماً دارای ویژگی‌های سبک واحدی خواهند بود. البته کل تاریخ‌نگاری بر این اعتقاد است که ماهیت رویدادها از همان زمانی نشأت می‌گیرد که در آن به وقوع می‌پیوندد. می‌توانیم چنین فرض کنیم که هنرمندان هر عصری، در آثارشان، مفهومی را بیان می‌کرده‌اند که به گونه‌ای برای خود ایشان و دیگران قابل‌درک بوده است. مفهوم مزبور را فقط در صورتی می‌توانیم درک کنیم که اثر مجسم کننده‌اش را با دیگر آثار مشابهی که تقریباً در همان زمان آفریده شده باشند مقایسه کنیم. برای آثاری که بدین طریق طبقه‌بندی می‌شوند می‌توانیم به گونه‌ای اشتراک معنی و شکل قائل شویم؛ در چنین حالتی است که حدود این یا آن سبک را مشخص می‌کنیم. در سلسله آثاری که به ترتیب تاریخی از پی هم آفریده شده و دارای ویژگی‌های مشترکی از لحاظ سبک باشند، می‌توان به وجود پاره‌ای تفاوت‌ها در سبک آن‌ها نیز پی برد. مورخ هنر، این پدیده را بازتابی از یک تکامل تدریجی یا پیشرفت کیفی می‌داند (دلاکروا و تنسی، ۱۳۷۹/۱۹۲۶، ۱۳). با آنکه روش بنیادی طبقه‌بندی آثار هنری بر تشخیص زمان آفرینش آن‌ها استوار است، طبقه‌بندی برحسب مکان آفرینش نیز اهمیت دارد. در بسیاری از دوره‌ها، یک سبک عمومی گونه‌های منطقه‌ای بسیار متفاوتی پیدا می‌کند. بدین‌سان، تکمیل کردن زمان آفرینش با مکان آفرینش، بُعد دیگری بر روند تکامل سبک‌ها می‌افزاید. البته هنرمند بُعد سوم را در تاریخ هنر تشکیل می‌دهد. نخستین «تاریخ‌های هنر» که پیش از ظهور مفاهیم امروزی سبک و تکامل سبک‌ها نوشته می‌شدند، چیزی جز زندگینامه‌های هنرمندان نبودند. زندگینامه به‌عنوان یک بُعد، همچنان اهمیت دارد زیرا با مطالعه آن می‌توانیم تکامل سبک‌ها را در جریان زندگی هنری هنرمندان ردیابی کنیم. از منابع هم‌زمان تاریخی، اسنادی چون قراردادهای اجرای مأموریت‌های هنری، یادگارهای ادبی و غیره مربوط به هنرمندان نیز می‌توانیم اطلاعات بسیاری به دست آوریم. تمامی این‌ها در تبیین آثار ایشان نیز به کار می‌آید. رابطه هنرمندان با اسلاف، هم‌عصران و پیروانشان، با عبارات تأثیر و مکتب قابل توصیف هستند: همه هنرمندان به احتمال قوی تحت تأثیر استادان خویش بوده‌اند و پس از ایشان بر شاگردان خویش که تقریباً با همان سبک و در همان زمان و مکان کار می‌کرده‌اند تأثیر گذارده‌اند یا از ایشان تأثیر گرفته‌اند (دلاکروا و تنسی، ۱۳۷۹/۱۹۲۶، ۱۴–۱۵).

در معماری، هرگونه سبکی نو، به شکلی تدریجی از سبک قبلی به وجود آمده است، زیرا ساختمان‌هایی نو، مواد و مصالح جدید، وظایفی نو برای انسان و مفهوم‌هایی نو، خواستار دگرگونی‌ها و تطبیق‌هایی متفاوت نسبت به آنچه از پیش بوده، می‌شوند. به بیانی دیگر سبک در معماری؛ عنصر متمایزکننده طرح که بیانی ملموس و عنصری متمایزکنندهٔ ویژگی زبان‌شناختی اندیشهٔ معمارانه است (فلامکی، ۱۳۷۶، ۵۴). سبک معماری بازتاب و تبلور تحولات در بطن جامعه و یک شیوه خاص تفکر نسبت به طرح معماری است. یک جریان فکری و هنری است که بر اساس خصوصیات و مقتضیات یک جامعه در هر دوره شکل می‌گیرد و انعکاس تفکرات و تحولات اجتماعی در کالبد معماری است. در نتیجه، نحوه نگرش به عوامل مختلف در طراحی مانند اقلیم، تاریخ، مذهب، بستر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، سنت و غیره در سبک‌های گوناگون با یکدیگر تفاوت دارد. سبک‌های معماری و ساختمان‌های شاخص در هر سبک، روند و روش‌های جدید و گزینه‌های جایگزین در معماری متداول را مشخص می‌کنند و نهایتاً بر روش‌ها و شیوه‌های مرسوم تأثیرگذار خواهند بود (قبادیان، ۱۳۹۲، ۴۰۰). برخی پژوهشگران، با تطبیق و مقایسهٔ تصاویر، الگوها، شباهت‌ها و اختلاف‌های آثار هنری را کشف کردند و از طریق همین خصوصیات است که می‌توان درباره تک‌تک هنرمندان، سبک‌های منطقه‌ای و دوره‌ای به دیدی کلی دست یافت (ماینر، ۱۳۸۷/۱۹۹۴، ۲۰۶).

هرچند تعاریف مختلفی برای سبک وجود دارد به نظر نمی‌رسد در مفهوم آن اختلاف‌نظری اساسی در میان باشد. هر یک از تعاریف بالا را می‌توان وجهی از مفهوم سبک به شمار آورد. اگر بخواهیم به زبان ساده سبک را در عام‌ترین معنا تعریف کنیم می‌توان آن را الگوها یا صفات متمایز و مشخص چیز یا مجموعه‌ای از اشیا دانست. این الگوها یا صفات مشخص را مشخصات یا صفات سبک می‌خوانیم (صحراگرد، ۱۳۹۳، ۱۰۳). صفات مشترکِ آثار یک دوره مشروط بر استمرار ریخت‌شناسانهٔ این صفات در دوره‌ایِ خاص صفات سبک آن دوره است. به سخن دیگر، برای سبک دوره، باید در جستجوی صفاتی بود که در گروهی از آثار–از آغاز تا پایان دوره– استمرار داشته باشد. ممکن است آثار تولیدشده در یک مقطع زمانی مشخص، دارای صفات مشترک زیادی باشند، اما فقط آن مشخصاتی صفات سبک دوره به شمار می‌روند که از آغاز تا پایان دوره در گروه قابل‌توجهی از آثار استمرار داشته است. حال می‌توان گفت مجموعه صفات مشترک آثار یک هنرمند سبک آن هنرمند است و صفات مشترک سبک هنرمندان یک منطقه یا یک دوره نیز سبک آن منطقه یا دوره است (صحراگرد، ۱۳۹۳، ۱۲۰–۱۲۱). استان یزد یکی از مناطقی است که می‌توان ویژگی‌های شاخصی که معرف سبک رایج منطقه‌ای در کاشی‌کاری‌ها و همچنین جان‌پناه‌های کاشی به لحاظ طرح‌ها و نقوش هندسی است را مشاهده نمود به نحوی که این شاخصه‌ها، در دیگر مناطق کشور در دوران تیموری و ترکمانانِ سایر استان‌ها و مناطق کشور

دیده نشده است (راشدنیا، ۱۴۰۳، ۵۸۱–۵۷۸).

طبقه‌بندی جان‌پناه‌های کاشی دورهٔ تیموری و ترکمانان استان یزد

جان‌پناه‌های کاشی دورهٔ تیموری و ترکمانان در استان یزَد، با کاشی معرق، به رنگ‌های فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید، سیاه، سبز و عسلی، انجام شده‌اند. جان‌پناه‌های کاشی دوران مذکور استان یزد، در این مقاله، به دلیل عدم کاربرد نقوش گیاهی، فقط از نظر طرح‌ها و نقوش هندسی، در مرکز/زمینه و حاشیه آن‌ها، بررسی و دسته‌بندی می‌شوند.

طبقه‌بندی جان‌پناه‌های کاشی دورهٔ تیموری و ترکمانان استان یزد بر اساس نقوش هندسی

جان‌پناه‌ها در این مقاله، نخست از حیث نقش هندسی، در مرکز/زمینه و سپس در حاشیه آن‌ها، طبقه‌بندی و آثار و شواهد هرکدام، برشمرده خواهد شد.

نقوش هندسی در مرکز/زمینه جان‌پناه‌ها

در تمامی نمونه‌های به‌جامانده، مرکز/زمینه جان‌پناه‌ها با گره کار شده است. بر اساس مصادیق موجود از جان‌پناه‌های کاشی ابنیه عهد تیموری و ترکمانان استان یزد، تنها از دو گره «شش‌ضلعی منتظم/شش لانه‌زنبوری» و «شش و شمسه ترنج‌دار»، در مرکز/زمینه جان‌پناه‌ها استفاده کرده‌اند. در واقع از الگویی تقریباً واحد در استفاده از طرح‌ها و نقوش هندسی پیروی کرده‌اند. در ادامه هر یک از نقش‌های هندسی مذکور، به اجمال معرفی و شواهد تصویری از هرکدام آورده می‌شود.

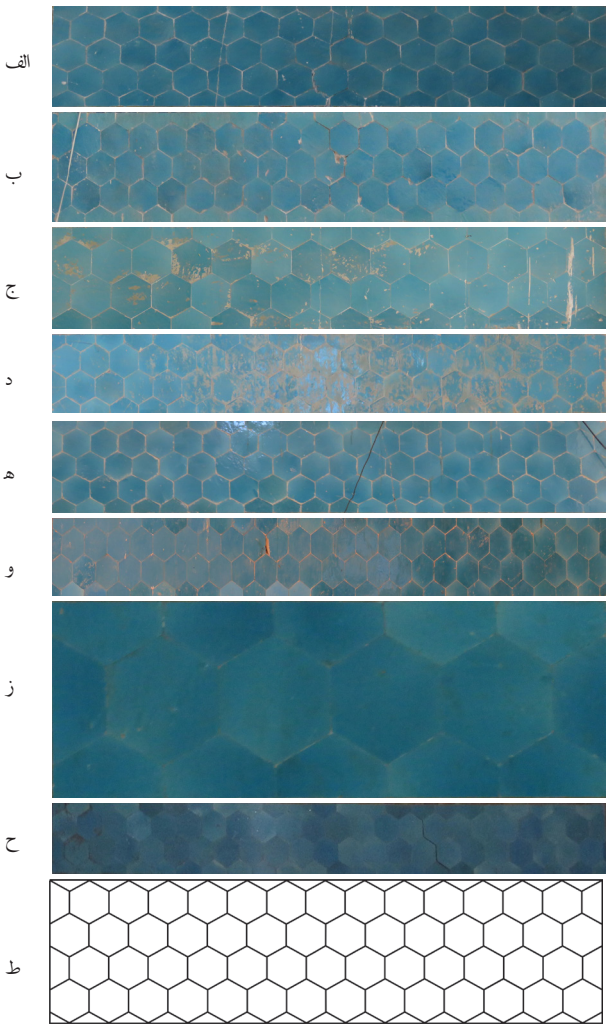
نقش/گره «شش‌ضلعی منتظم/شش لانه‌زنبوری»

نقش «شش‌ضلعی منتظم/شش لانه‌زنبوری» که بر اساس عدد مبنای شش است، با کاشی تراش فیروزه‌ای‌رنگ، در اغلب نمونه‌های برجای‌مانده از جان‌پناه‌های ابنیه دورهٔ تیموری و ترکمانان استان یزد، به‌کار رفته است. در اماکن تاریخی استان یزد، از قبیل: «مسجد پیرحسین دامغانی» یزد (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴/۱۹۸۸، ۶۰۳)، «مسجد جامع امیر چخماق» یزد (تصویر ۵الف)، «مسجد سَرریگ» یزد (تصویر ۵ب)، «مسجد مصلی عتیق» یزد (تصویر ۵ج)، «مسجد جامع اَبرندآباد» یزد (تصویر ۵د)، «مسجد سَرپُلک» یزد (تصویر ۵ه)، «مسجد مجموعهٔ سلطان بُندَرآباد اشکذر» (تصویر ۵و)، «مسجد شاه ولی» تفت (تصویر ۵ز)، «مسجد جامع بیداخوید» تفت (تصویر ۵ح)، از این گره بهره فراوانی برده‌اند (تصویر ۵ط)، به‌طوری که به الگوی رایج در تزیین جان‌پناه‌های بناهای این منطقه تبدیل شده است. نکتهٔ قابل‌توجه در مورد این نقش اینکه، تمامی نمونه‌های بررسی‌شده، با رنگ لعاب فیروزه‌ای اجرا شده است. گره «شش‌ضلعی منتظم/شش لانه‌زنبوری» که از گره‌های متداول دورهٔ تیموری و ترکمانان محسوب می‌شود، علاوه بر کاربرد در مرکز/زمینه جان‌پناه‌ها، به‌وفور به رنگ فیروزه‌ای در ازاره‌های ابنیه این استان نیز، کار شده است (راشدنیا و صالحی کاخکی، ۱۴۰۲، ۸۹).

نقش/گره «شش و شمسه ترنج‌دار»

گره «شش و شمسه ترنج‌دار»، نیز بر پایه عدد مبنای شش ترسیم شده است (تصویر ۶ الف–ج). این نقش تنها در مرکز/زمینه جان‌پناه‌های دو بنای «مسجد جامع» یزد (تصویر ۶الف) و «مسجد جامع امیر چخماق» یزد مشاهده می‌شود (تصویر ۶ب). لازم به ذکر است که در هر دو مسجد، جان‌پناه‌ها، با کاشی معرق و به‌صورت مُشبک، با رنگ‌های فیروزه‌ای،

تصویر ۵. *کاربرد گره «شش ضلعی منتظم/شش لانه زنبوری» با کاشی تراش فیروزه‌ای در جان‌پناه‌های ابنیه عصر تیموری و ترکمانان استان یزد الف) «مسجد جَامع امیر چخماق» یزد، ب) «مسجد سَرریگ» یزد، ج) «مسجد مصلی عتیق» یزد، د) «مسجد جامع اَبرندآباد» یزد، ه) «مسجد سَرپُلک» یزد، و) «مسجد مجموعهٔ سلطان بُندَرآباد اشکذر»، ز) «مسجد شاه ولی» تفت، ح) «مسجد جامع بیداخوید» تفت، ی) ط) طرح خطی گره* (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)



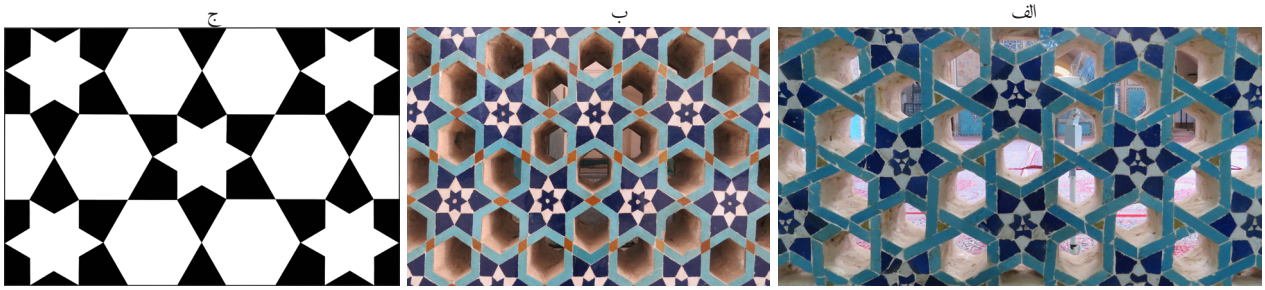
لاجوردی، سفید و عسلی هستند[۴].

نقوش هندسی در حاشیه جان‌پناه‌ها

اطراف جان‌پناه‌ها، با حاشیه‌ای نسبتاً باریک از نقوش هندسی شامل گره، تکرار نقش‌مایه‌های ساده هندسی و یا نواری ساده و بدون نقش، تشکیل شده است. حاشیه‌ها در بیشتر جان‌پناه‌ها، با گره «شش و تُکّه» احاطه گردیده است. از میان ۱۰ بنای دارای جان‌پناه کاشی استان یزد، گره «شش و تُکّه»، در حاشیه تمامی نمونه‌های جامعه آماری، اجرا شده است. «مسجد پیرحسین دامغانی» یزد (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴/۱۹۸۸، ۶۰۳)، «مسجد جامع» یزد (تصویر ۷الف)، «مسجد جامع امیر چخماق» یزد (تصویر ۷ب)، «مسجد سَرریگ» یزد (تصویر ۷ج)، «مسجد مصلی عتیق» یزد (تصویر ۷د)، «مسجد جامع اَبرندآباد» یزد (تصویر ۷ه)، «مسجد سَرپُلک» یزد (تصویر ۷ و)، «مسجد مجموعهٔ سلطان بُندَرآباد اشکذر» (تصویر ۷ز)، «مسجد شاه ولی» تفت (تصویر ۷ح)، «مسجد جامع بیداخوید» تفت (تصویر ۷ ط)، شواهدی هستند که می‌توان برشمرد (تصویر ۷ی). در «مسجد جامع» یزد علاوه بر،

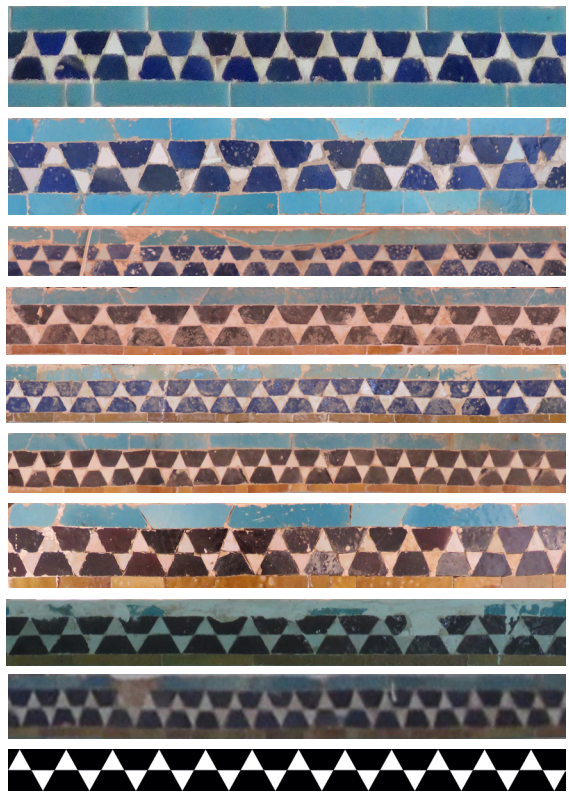
تصویر ۶. *کاربرد نقش «شش و شمسه ترنج‌دار» در جان‌پناه‌های ابنیه عصر تیموری و ترکمانان استان یزد الف) «مسجد جامع» یزد، ب) «مسجد جامع امیر چخماق» یزد، ج) طرح خطی گره* (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

الف ب ج



تصویر ۷. *کاربرد گره «شش و تُکّه» در جان‌پناه‌های ابنیه عصر تیموری و ترکمانان استان یزد الف) «مسجد جامع» یزد، ب) «مسجد جامع امیر چخماق» یزد، ج) «مسجد سَرَریگ» یزد، د) «مسجد مصلی عتیق» یزد، هـ) «مسجد جامع ابرندآباد» یزد، و) «مسجد سَرپُلَک» یزد، ز) «مسجد مجموعهٔ سلطان بُندَرآباد اشکذر، ح) «مسجد شاه ولی» تفت، ط) «مسجد جامع بیداخوید» تفت، ی) طرح خطی گره* (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

الف ب ج د هـ و ز ح ط ی



کاربرد گره «شش و تُکّه»، حاشیه برخی از جان‌پناه‌ها، از طرح‌های هندسی که از چیدمان دو نقش‌مایه ساده هندسی مانند تکرار «چهارلنگه و بیضی» شکل یافته است (تصویر ۸الف–ب). در «مسجد سَرَریگ» یزد، افزون بر استفاده از گره «شش و تُکّه»، از نواری باریک ساده و بدون نقش، به رنگ لاجوردی، در حاشیه بعضی جان‌پناه‌های مسجد مذکور به کار رفته است (تصویر ۸ج). حاشیه‌ها در بیشتر جان‌پناه‌ها، چون اغلب حاشیه ازاره‌ها و شُباک‌های عصر تیموری و ترکمانان استان یزد، با گره «شش و تُکّه» کار شده است (راشدنیا و صالحی کاخکی، ۱۴۰۳، ۵۵) و به الگویی متداول، در حاشیه جان‌پناه‌های این ناحیه تبدیل شده است و از وجود سبکی خاص در این منطقه حکایت می‌کند.

تصویر ۸. *الف) کاربرد طرح هندسی «چهار لنگه و بیضی» در حاشیه برخی از جان‌پناه‌های «مسجد جامع» یزد، ب) طرح خطی طرح هندسی «چهار لنگه و بیضی»، ج) کاربرد حاشیه باریکِ ساده و بدون نقش در جان‌پناه «مسجد سَرَریگ» یزد* (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

الف ب ج



جمع‌بندی و تحلیل یافته‌ها

گاهی سبک محلی/منطقه‌ای در یک منطقه خاص و مشخص به اجرا درآمده است و هنگامی محدوده جغرافیایی گسترده‌تری را در بردارد. به‌عنوان مثال وجود جان‌پناه‌های کاشی در دورانی مشخص و همچنین برخی نقوش هندسی که به کرّات تکرار شده است، همگی به یک ناحیه تعلق دارد. این امر نشان‌دهندهٔ آن است که منطقه مذکور، از سبکی محلی برخوردار بوده و احتمالاً بنا بر سفارش بانیان و هنرمندان محلی، به خلق آثاری که از ویژگی‌های خاصی برخوردار است مبادرت نموده‌اند. شاخص‌ترین این ویژگی‌ها، کاربرد گسترده نقوش هندسی از جمله گره «شش‌ضلعی منتظم/شش لانه‌زنبوری» در مرکز/زمینه و «شش و تُکّه» در حاشیه جان‌پناه‌های کاشی است. بر اساس شواهد موجود که در متن مقاله بدان‌ها اشاره شد، جان‌پناه‌های کاشی دورهٔ تیموری و ترکمانان در استان یزد، خاص این منطقه است و در سایر نقاط کشور نمونه مشابه‌ای یافت نشد. با وجود اینکه در قلمرو شرقی ایران و همچنین دیگر نواحی کشور در ادوار مذکور، تزیینات کاشی‌کاری بی‌نظیری وجود دارد، اما هیچ‌کدام دارای جان‌پناه‌های کاشی نیستند و در صورت وجود، دارای تزئین کاشی نیستند. این نوع تزیین، در ابنیه منطقه یزد مشاهده می‌شود و یک الگوی رایج در بخشی از تزیینات بناهای این خطه بوده است. عدم وجود آن، در دیگر نقاط قلمرو تیموری و ترکمانان در ایران، می‌تواند دلیلی باشد بر سبک محلی این نوع تزیین که در یک برهه زمانی و یک ناحیه قرار دارند. علاوه بر این، محدود بودن این دسته از تزیینات، به منطقه‌ای ویژه (استان یزد)، می‌تواند نشان‌دهنده الگوها و روش‌های تزیینی مشترکی باشد که معمولاً در هر دورهٔ تاریخی و در یک محدوده خاص، موردعلاقه و توجه سازندگان، بانیان و سفارش‌دهندگان آثار هنری بوده است. از بررسی‌های انجام شده و شواهد موجود درمی‌یابیم که ظاهراً هنرمندان محلی/بومی، بیشتر از سایر

هنرمندان کشور در ساخت جان‌پناه‌های کاشی منطقه یزد، در ادوار تیموری و ترکمانان مشارکت داشته‌اند. امری که سبب ایجاد و تعدد جان‌پناه‌های کاشی و مشابهت‌های بسیاری در طرح‌ها و نقوش هندسی در این آثار شده و حاکی از سبکی محلی/منطقه‌ای است.

نتیجه‌گیری

با بررسی مصادیق موجود از جان‌پناه‌های کاشی دورهٔ تیموری و ترکمانان استان یزد، مشخص گردید که در مرکز/ زمینه و نیز حاشیه آن‌ها، تنها نقش‌مایه‌های هندسی، استفاده شده است. در مرکز/ زمینه جان‌پناه‌ها، دو گره «شش‌ضلعی منتظم/ شش لانه‌زنبوری» و «شش و شمسه ترنج‌دار» به‌کاررفته است. بیشترین پوشش سطوح جان‌پناه‌ها در این ادوار همانند ازاره‌ها، به گره «شش‌ضلعی منتظم/ شش لانه‌زنبوری» اختصاص دارد. گره مذکور با کاشی تراش فیروزه‌ای، در مرکز/ زمینه جان‌پناه‌های ۱۰ بنای استان، کار شده است. نقشی که ترسیم آن ساده‌تر از سایر نقوش بوده و می‌توان راحت‌تر از سایر نقش‌ها، قطعات آن را تهیه نمود، بنابراین در مقیاس گسترده و در جان‌پناه‌های ابنیه بیشتری از این استان، در ادوار تیموری و ترکمانان، بکار برده شده است. در «مسجد جامع» یزد و همچنین برخی جان‌پناه‌های «مسجد جامع امیرچخماق» یزد، از گره «شش و شمسه ترنج‌دار»، در مرکز/ زمینه آن‌ها، استفاده شده است. حاشیه‌ها در بیشتر جان‌پناه‌ها، چون اغلب حاشیهِ ازاره‌ها و شُباک‌های عصر تیموری و ترکمانان استان یزد، با گره «شش و تُکّه»، به اجرا درآمده است. در موارد محدودی، حاشیه بعضی جان‌پناه‌ها، از طرح‌های هندسی که از تکرار دو نقش‌مایه ساده هندسی مانند «چهارلنگه و بیضی» و یا حاشیه باریکِ ساده و بدون نقش، تشکیل شده است. با پژوهش‌های انجام‌یافته مشخص شد که کاربرد جان‌پناه‌های کاشی، فقط محدود به بناهای سه شهر یزد، اشکذر (روستای بُندَرآباد)، تفت (شهر تفت و روستای بیداخوید)، در استان یزد می‌شود. به‌طوری‌که در ابنیه تیموریان و ترکمانانِ سایر استان‌های کشور، جان‌پناه‌های کاشی وجود ندارد. افزون‌براین، تقریباً تمامی جان‌پناه‌ها هم در مرکز/ زمینه و همچنین در حاشیه، دارای ویژگی‌های تزئینی مشترکی در طرح و نقش هستند. همگی نمونه‌ها در مرکز/ زمینه، با نقش‌های هندسی بر پایه عدد مبنای شش از قبیل «شش‌ضلعی منتظم/شش لانه‌زنبوری»، «شش و شمسه ترنج‌دار» و در حاشیه‌ها غالباً با گره «شش و تُکّه» ترسیم شده‌اند؛ بنابراین بناهای استان یزد از یک‌سو از نظر دارابودن جان‌پناه‌های کاشی و از سوی دیگر، به دلیل کاربرد نقش‌مایه‌های هندسی مشترک که تقریباً در تمامی آن‌ها وجود دارد، از رواج و استمرار یک سبک محلی حاکم بر منطقه مذکور، دلالت دارد. سبکی که آثار و شواهد آن، در بازه زمانی موردمطالعه، تنها در این استان، قابل پی‌جویی است و تأثیرات فرهنگ بومی نیز در آن‌ها آشکار است.

سپاسگزاری

در پایان لازم است تا از همکاری اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان یزد، همچنین راهنمایی‌های ارزشمند آقای دکتر احمد صالحی کاخکی و داوران محترم نشریه که با توصیه‌های ارزنده خویش، باعث بهبود کیفیت این پژوهش شدند قدردانی شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. دورهٔ ترکمانان مصادف با تیموریان و مراکز فرهنگی مانند هرات، سمرقند و مشهد است. ترکمانان از نظر حکومتی و سیاسی تا حدودی مستقل از تیموریان، اما از حیث معماری، تزئینات معماری و سایر هنرها، وابسته به مناطق تیموری بوده‌اند؛ بنابراین مبحث مربوط به تزئینات معماری و هنرهای این دوران مانند کتاب‌آرایی، فلزکاری و غیره در زیر عنوان هنر عصر تیموری، موردبررسی قرار می‌گیرد. آثار معماری شاخص و تأثیرگذار دورهٔ ترکمانان را، عمدتاً در تبریز و مرکز ایران؛ به‌ویژه شهر اصفهان، می‌توان دید ولی چون آثار این عصر، در قالب دورهٔ تیموری بررسی شده است، لذا چندان تفکیک‌پذیر نیست؛ بنابراین؛ در بررسی آثار به‌جای‌مانده از ترکمانان، صرفاً واقع بودن در نواحی مربوط به جغرافیای سیاسی–تاریخی ترکمانان، معیار تشخیص تزئینات کاشی‌کاری نیست، بلکه هر اثر، تحت عنوان کلی «تیموری و ترکمانان»، بررسی می‌شود.

۲. طبقه‌بندی جان‌پناه‌های کاشی بناهای دورهٔ تیموری و ترکمانان در استان یزد، بر پایه مشاهدات عینی (میدانی) و اطلاعات کتابخانه‌ای گردآوری‌شده توسط نگارنده، صورت پذیرفته است، بنابراین این احتمال وجود دارد که نمونه یا نمونه‌های مستند دیگری، در حوزهٔ جان‌پناه‌های کاشی اماکن تاریخی بازهٔ زمانی مذکور در استان یزد، به جامعه آماری این پژوهش نیز اضافه گردد. ازاین‌رو طبقه‌بندی انجام شده، ممکن است با ارائه نمونه‌های جدیدتری در این حیطه، تکمیل یا تصحیح گردد.

۳. عکاسی تمامی نمونه‌های موردمطالعه در استان یزد، ماحصل مشاهده نزدیک نگارنده، از بناهای تاریخی است.

۴. لازم به ذکر است که در وهلهٔ نخست، تعبیه جان‌پناه در بناها، جنبه امنیتی داشته است؛ یعنی اینکه جان‌پناه باید از استحکام و امنیت کافی برخوردار باشد و در مرحلهٔ بعد جنبهٔ زیبایی آن مطرح بوده است؛ بنابراین کاربرد نقش‌مایه‌های هندسی در نمونه‌های مُشبک مانند «مسجد جامع» و «مسجد جامع امیر چخماق» یزد که بر پایه عدد مبنای شش هستند، می‌تواند جنبه فنی و مهندسی هم داشته باشد. نخست اینکه باعث عبور هوا و نور برای جلوگیری از ریزش دیواره و دیگر اینکه چیدمان قطعات در کنار هم ایستایی لازم را، برای جان‌پناه‌ها ایجاد می‌کند.

References

Afshar, I. (1995). *Monuments of Yazd* [Yādgār-hāye Yazd.[(Vols. 1-2). Society for the Appreciation of Cultural Works and Dignitaries. (In Persian)

Amid, H. (1990). *Amid Dictionary: Including Persian Words, Arabic and European Words Used in Persian Language, and Scientific and Literary Terms* [Farhang-e Amid: Shabamel-e Vazhe-haye Farsi va Loghat-haye Arabi va Orupayei-ye Moshtalah dar Zaban-e Farsi va Estelahat-e Elmi va Adabi]. (22 nd edition, Vols 1 & 2). Amir Kabir. (In Persian)

Clark, M. (2010). *Oxford Concise Dictionary of Art Terms* [Farhang-e Feshorde-ye Estelahat-e Honar-e Oxford]. (A. Rezaei, trans; 1nd edition). Barghnegar. (Original work published 2001) (In Persian)

Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda Dictionary* [Loghatname-ye Dehkhoda]. (Vols. 5, 10). University of Tehran. (In Persian)

Delacroix, H. & Tennessee, R. J. (1379). *Foreword in: Art through Time* [Honar dar Gozar-e Zaman, H Gardner]. (M. T. Faramarzi, Trans.; 5th ed., pp. 11–12). Agah. (Original work published 1926) (In Persian)

Fereshtehnejad, M. (2010). Ar*chitectural Culture and Architectural Restoration* [Farhang-e Me'mari va Marammat-e Me'mari]. (1 nd edition). Arkan Danesh. (In Persian)

Flamki, M. (1997). Formulation of the form and difficulties of contemporary Iranian architecture [Tadvin-e Shekl va Doshvari-haye Me'mari-ye Moaser-e Iran]. *Fine Arts*, (2), 52-58. https://journals.ut.ac.ir/article_17146.html (In Persian)

Fotuhi, M. (2012). *Stylistics, theories, approaches and methods* [Sabk-shenasi: Nazariye-ha, Roo-kard-ha va Ravesh-ha]. (1nd edition). sokhan. (In Persian)

Ghobadian, V. (2013). *Stylistics and theoretical foundations in contemporary Iranian architecture* [Sabk-shenasi va Mabani-ye Nazari dar Me'mari-ye Moaser-e Iran]. (1nd edition). Royal Institute of Architectural Scienc. (In Persian)

Jafari, J. (1964). *History of Yazd* [Tarikh-e Yazd]. (A. Afshar, Edit; 1nd edition). Scientific and cultural. (In Persian)

Jensen, Ch. (2008). *Analysis of Visual Arts Works* [Tajzihe va Tahlil-e Asar-e Honar-haye Tajasomi]. (B. Avakian, trans; 2nd edition). Samt. (Original work published 1996) (In Persian)

Khademzadeh, M. H. (2008). *Architecture of the Al-e Mozaffar period of Yazd (Ilkhanid and Timurid) with a look at the buildings of the Atabakan era* [Me'māri-ye doure-ye Āl-e Mozaffar-e Yazd]. In collaboration with M. Oloumi and E. Khakbaz Alvandian (1nd edition). Hampa, Yazd Province Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization. (In Persian)

Khakbaz Alvandian, E. (2014). The restoration process of the tiled pulpit of the Sultan Bondarabad collection in Yazd [Ravand-e Marammat-e Menbar-e Kashi-kari-ye majmoue-ye Soltan Bondarabad-e Yazd]. *Athar Journal, 35* (67), 15-32. https://journal.richt.ir/athar/article-1-82-fa.html (In Persian)

Marzban, P. & Marouf, H. (1992). *Illustrated Dictionary of Visual Arts* [Farhang-e Mosavvar-e Honar-haye Tajasomi]. (2 nd edition). Soroush. (In Persian)

Masaheb, G. H. (1381). *Persian Encyclopedia* [Dayere-ol-Maaref-e Farsi]. (3 nd edition, vol. 1). Amirkabir (In Persian)

Mazidi Sharafabadi, M. (2018). *Study the decorations of the Sultan Complex of Bondar Abad in Yazd and its application in contemporary graphic design* [Barresi-ye taz'ināt-e majmoue-ye soltan bundrâbâd-e yazd va karbord an dar Graphic-e moaser] [Master's thesis, Tarbiat Modares University]. Electronic Dissertations and Theses Tarbiat Modares University (ETDS). (In Persian)

Miner, W. H. (2008). *History of the history of art (A journey through the history of the development of art theory)* [Tarikh-e tarikh-e honar (Siri dar tarikh-e takvin-e nazariye-ye honar)] (M. Ghasemian, Trans.; 1st ed.). SAMT; Academy of Art of the Islamic Republic of Iran. (Original work published 1994) (In Persian)

Moein, M. (2006). *Persian Dictionary* [Farhang-e Farsi]. (23 nd edition, vols. 1 and 2). Amirkabir. (In Persian)

Pakbaz, R. (2004). Encyclo*pedia of Art (Painting, Sculpture and Graphic Art)* [Dayerat-ol-Maaref-e Honar (Naghash-e, Peykar-e-sazi va Honar-e Graphic)]. (4 nd edition). Contemporary Culture. (In Persian)

Rashednia, Z. (2025). *Identification and Classification of Tilework Ornamentation in the Architecture of the Timurid and Turkmen Periods in Present-day Iran (Focusing on Yazd Province)* [Shenakht-e Vizhegi-ha va Tabghe-bandi-ye taz'ināt-e Kashi-kari dar Banahaye Dowre-ye Timuri va Turkmanan-e Iran-e Emroozi (ba Ta'kid bar Ostane Yazd)][PhD Thesis, Art University of Isfahan]. Electronic Dissertations and Theses Art University of Isfahan (ETDS). (In Persian)

Rashednia, Z. & Salehi Kakhki, A. (2023). Comparing the Geometric Motifs of the Tile Dadoes of the Timurid Period of Iran with the Dadoes in the illustrated Manuscripts of the Period [Moghayese-ye Noghoush-e Hendesi-ye Ezare-haye Kashi-ye Abniye-ye Dowre-ye Timuri-e Iran ba Ezare-haye Mojoud dar Negare-haye Noskhe-khathi-ye Mosavvar-e Ham-zaman]. *Journal of Fine Arts: Visual Arts, 28* (2), 85-96. https://jfava.ut.ac.ir/article_91469.html (In Persian)

Rashednia, Z. & Salehi Kakhki, A. (2024). Classification of Tile Shobāks of Timurid and Turkmanan Era Buildings in Yazd Province based on Framing and Motif [Tabghe-bandi-ye Shobak-haye Kashi-ye Banahaye Dowre-ye Timuri va Turkmanan-e Ostane Yazd bar Asas-e Ghab-bandi va Naghsh]. *Journal of Glory of Art, 16* (4), 49-62. https://jjhjor.alzahra.ac.ir/article_8176.html (In Persian)

Sahragard, M. (2005). *Explanation for the Local Principles of Classification of Iranian Calligraphy's History* [Tabiyn-e Mabani-ye Boomi baraye Tabghe-bandi-ye Tarikh-e Khoshnevisi-ye Iran][PhD Thesis, Shahed University]. Electronic Dissertations and Theses Shahed University (ETDS). (In Persian)

Seyed Sadr, A. (2004). *Encyclopedia of Art: Styles, Methods, Artists, Art Schools, Arts, Music, Handicrafts and Other Fundamental Topics* [Dayerat-ol-Maaref-e Honar: Sabk-ha, Shivaha, Honarmandan, Makateb-e Honar, Honar-ha, Musighi, Sanaye-ye Dasti va sayer Mabahis-e Bonyadin]. (1nd ed.). Simay Danesh. (In Persian)

Smith, E. L. (2002). *Dictionary of Artistic Terms* [Farhang-e Estelahat-e Honari]. (F. Goshayesh, Trans.; 2nd ed.). Efaf. (Original work published 1984) (In Persian)

Wilber, D., & Golombek, L. (1995). *The Timurid architecture of Iran and Turan* [Me'mari-ye Timuri dar Iran va Turan]. (K Afsar & M. Y. Kiani, Trans.). Cultural Heritage Organization. (Original work published 1988) (In Persian)

اسمیت، ادوارد لوسی. (۱۳۸۱). *فرهنگ اصطلاحات هنری* (فرهاد گشایش، مترجم؛ ویرایش ۲). عفاف. (چاپ اثر اصلی ۱۹۸۴)

افشار، ایرج. (۱۳۵۴). *یادگارهای* (ویرایش ۱، جلد ۲). انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

پاکباز، رویین. (۱۳۸۳). *دائرةالمعارف هنر (نقاشی، پیکره‌سازی و هنر گرافیک)* (ویرایش ۴). فرهنگ معاصر.

جعفری، جعفر بن محمد بن حسن. (۱۳۴۳). *تاریخ یزد* (به کوشش ایرج افشار؛ ویرایش ۱). علمی و فرهنگی.

جنسن، چارلز. (۱۳۸۷). *تجزیه‌وتحلیل آثار هنرهای تجسمی* (بتی آواکیان، مترجم؛ ویرایش ۲). سمت. (چاپ اثر اصلی ۱۹۹۶)

خادم‌زاده، محمدحسن. (۱۳۸۹). *معماری دوره آل مظفر یزد (ایلخانی و تیموری) با نگاهی به بناهای عصر اتابکان* (با همکاری مجید علومی و الهه الوندیان خاکباز؛ ویرایش ۱). هم‌پا، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان یزد.

خاکباز الوندیان، الهه. (۱۳۹۳). روند مرمت منبر کاشی‌کاری مجموعهٔ سلطان بندرآباد یزد. *نشریه اثر*، ۳۵ (۶۷)، ۱۵-۳۲. https://journal.richt.ir/athar/article-1-82-fa.html

دلاکروا، هورست ، تنسی، ریچارد. ج. (۱۳۷۹). *پیشگفتار در: هنر در گذر زمان*، هلن گاردنر (محمدتقی فرامرزی، مترجم؛ ویرایش ۵). آگاه. (چاپ اثر اصلی ۱۹۲۶)

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا* (جلدهای ۵، ۱۰). دانشگاه تهران.

راشدنیا، زهرا. (۱۴۰۳). *شناخت ویژگی‌ها و طبقه‌بندی تزئینات کاشی‌کاری در بناهای دورهٔ تیموری و ترکمانان ایران امروزی (با تأکید بر استان یزد)* [رساله دکتری، دانشگاه هنر اصفهان]. پایان‌نامه‌ها و رساله‌های الکترونیکی دانشگاه هنر اصفهان.

راشدنیا، زهرا و صالحی کاخکی، احمد. (۱۴۰۲). مقایسه نقوش هندسی ازاره‌های کاشی ابنیه دورهٔ تیموری ایران با ازاره‌های موجود در نگاره‌های نسخ خطی مصور هم‌زمان. *نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی*، ۲۸ (۲)، ۸۵-۹۶. https://doi.org 10.22059/JFAVA.2023.351693.667015

راشدنیا، زهرا و صالحی کاخکی، احمد. (۱۴۰۳). طبقه‌بندی شُباک‌های کاشی بناهای دورهٔ تیموری و ترکمانانِ استان یزد بر اساس قاب‌بندی و نقش. *نشریه جلوه هنر*، ۱۶ (۴۵)، ۴۹-۶۲. https://doi.org/ 10.22051/JJH.2024.46193.2114

سید صدر، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). دائرةالمعارف هنر: سبک‌ها، شیوه‌ها، هنرمندان، مکاتب هنر، هنرها، موسیقی، صنایع دستی و سایر مباحث بنیادین (ویرایش ۱). سیمای دانش.

صحراگرد، مهدی. (۱۳۹۳). *تبیین مبانی بومی برای طبقه‌بندی تاریخ خوشنویسی ایران* [رساله دکتری، دانشگاه شاهد تهران]. پایان‌نامه‌ها و رساله‌های الکترونیکی دانشگاه شاهد تهران.

صدری افشار، غلام‌حسین؛ حکمی، نسرین و حکمی، نسترن. (۱۳۸۱). *فرهنگ معاصر فارسی* (ویرایش ۴). فرهنگ معاصر.

عمید، حسن. (۱۳۷۹). *فرهنگ عمید: شامل واژه‌های فارسی و لغات عربی و اروپایی مصطلح در زبان فارسی و اصطلاحات علمی و ادبی* (ویرایش ۲۲، جلد ۱ و ۲). امیرکبیر.

فتوحی، محمود. (۱۳۹۲). *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها* (ویرایش ۱). سخن.

فرشته‌نژاد، مرتضی. (۱۳۸۹). *فرهنگ معماری و مرمت معماری* (ویرایش ۱). ارکان دانش.

فلامکی، منصور. (۱۳۷۶). تدوین شکل و دشواری‌های معماری معاصر ایران. *هنرهای زیبا*، (۲)، ۵۸-۵۲. https://journals.ut.ac.ir/article_17146.html

قبادیان، وحید. (۱۳۹۲). *سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران* (ویرایش ۱). مؤسسه علم معمار رویال.

کلارک، مایکل. (۱۳۸۹). *فرهنگ فشرده اصطلاحات هنر آکسفورد* (الهام رضایی، مترجم؛ ویرایش ۱). برگ‌نگار. (چاپ اثر اصلی ۲۰۰۱)

ماینر، ورنون هاید. (۱۳۸۷). *تاریخ تاریخ هنر (سیری در تاریخ تکوین نظریه هنر)* (مسعود قاسمیان، مترجم؛ ویرایش ۱). فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران؛ سمت. (چاپ اثر اصلی ۱۹۹۴)

مرزبان، پرویز و معروف، حبیب. (۱۳۷۱). *فرهنگ مصور هنرهای تجسمی* (ویرایش ۲). سروش.

مزیدی شرف‌آبادی، مجید. (۱۳۹۷). *بررسی تزیینات مجموعهٔ سلطان بُندرآباد یزد و کاربرد آن در گرافیک معاصر* [پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تربیت مدرس]. پایان‌نامه‌ها و رساله‌های الکترونیکی دانشگاه تربیت مدرس.

مصاحب، غلامحسین. (۱۳۸۱). *دائرةالمعارف فارسی* (ویرایش ۳، جلد ۱). امیرکبیر.

معین، محمد. (۱۳۸۵). *فرهنگ فارسی* (ویرایش ۲۳، جلدهای ۱ و ۲). امیرکبیر.

ویلبر، دونالد و گلمبک، لیزا. (۱۳۷۴). *معماری تیموری در ایران و توران* (کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، مترجم؛ ویرایش ۱). سازمان میراث فرهنگی. (چاپ اثر اصلی ۱۹۸۸)